

# چهرهٔ مرد هنرمند در جوانی

جیمز جویس

ترجمهٔ منوچهر بدیعی



انتشارات نیلوفر

## سپاسگزاری مترجم

۱. قریب ده سال پیش که مترجم ترجمهٔ «اولیس» و ترجمه و تفسیر  
 یادداشت‌ها و بررسی‌های آن را به پایان رساند و دست به کار ترجمهٔ این  
 رمان شد، نخست عنوان نسبتاً رایج و چهارهٔ هنرمند در جوانی را برای این  
 رمان برگزید. اما رضا براهنی با دلایل محکم مترجم را قانع کرد که واژهٔ مورد  
 باید در عنوان فارسی بیاید. یکی از آن دلایل این بود که اگرچه واژهٔ «هنرمند»  
 به تنهایی معنای «انسان» اعم از زن و مرد می‌دهد اما در ترکیب «هنرمند»  
 موصوف Young Man این واژه فقط به معنای «مرد» در مقابل «زن» است و زن  
 جوان را شامل نمی‌شود. براهنی از این دلیل لفظی نتیجه می‌گرفت که  
 جویس در انتخاب این عنوان بر مرد بودن استیون تدالوس تأکید داشته است  
 و اضافه می‌کند که اگر استیون تدالوس مرد نبود به او پیشنهاد نمی‌شد که  
 کشیش شود و نمی‌توانست به پارلی کارها دست بزند مخصوصاً که تبار  
 مرده و زنده در آثار جویس در این مثالها موضوع بحث و قصص بسیاری از  
 جویس شتابان بوده است. مترجم از رضا براهنی صمیمانه سپاسگزار است.  
 ۲. صالح حسینی در آخرین مراحل چاپ کتاب ترجمه را با دقت خواند و با  
 متن انگلیسی مقایسه کرد و دربارۂ بسیاری از واژه‌ها و پارایز از جمله  
 اظهار نظر کرد و پیشنهادهای بسیار مفید کرد. این پیشنهادها، به‌ویژه در زمینهٔ  
 واژه‌ها و عبارتهای مربوط به دین مسیح و مناسک و فرایض آن و آثار آنها  
 در این رمان بسیار گوناگون و متنوع است.  
 این زمینهٔ بسیار گوناگون و متنوع است.  
 چارگری که در این زمینهٔ بسیار گوناگون و متنوع است.  
 است و از آنجا که در این زمینهٔ بسیار گوناگون و متنوع است.
- ۳ ..... سپاسگزاری مترجم
- ۵ ..... یادداشت مترجم بر چاپ دوم
- ۷ ..... سالشمار زندگی جویس
- ۱۳ ..... چهرهٔ مرد هنرمند در جوانی
- ۳۲۹ ..... یادداشت‌ها
- ۳۸۳ ..... مآخذ
- ۳۸۵ ..... پاسخ به نقد ترجمه‌ی چهرهٔ مرد هنرمند در جوانی

Et ignotas animum dimittit in artes

- Ovid, *Metamorphoses*, VIII, 188

[او عزم جزم کرد تا به هنرهای ناشناخته بپردازد.]<sup>۱</sup>

اووید، مسخ، باب هشتم، ۱۸۸

## فصل ۱

روزی بود و روزگاری و بس خوش روزگاری یه گاو ماغکشی بود که داشت از جاده رو به پایین می اومد و این گاو ماغکش که داشت از جاده رو به پایین می اومد یه پسر کوچولویی را دید که اسمش بچه توکو<sup>۲</sup> بود... آن قصه را پدرش برایش تعریف کرده بود: پدرش از پشت یک تکه شیشه به او نگاه می کرد: صورتش پر مو بود.

بچه توکو خودش بود. گاو ماغکش از جاده ای رو به پایین می اومد که منزل «بتی برن» (Betty Byrne) در آنجا بود؛ بتی برن بادیام قندی لیمویی می فروخت.

آه، گل وحشی می شکفتد

بر سبز جای کوچک<sup>۳</sup>

آن ترانه را او می خواند. ترانه او بود آن.

۱. توضیح آنچه با شماره مشخص شده در یادداشتهای پایان کتاب آمده است.

آه، سبزه تل کفه.<sup>۴</sup>

آدم که جایش را تر می‌کند اولش گرم است بعد سرد می‌شود. مادرش مشمع گذاشت. بوی بخصوصی داشت. بوی مادرش از بوی پدرش بهتر بود. مادرش برای او با پیانو رنگ ملوانی می‌زد تا برقصد او می‌رقصید:

ترا لالا لالا،

ترا لالا ترا لالادی،

ترا لالا لالا،

ترا لالا لالا.

دایی چارلز و داتته (Dante) دست می‌زدند. آنها از پدر و مادرش پیرتر بودند اما دایی چارلز از داتته پیرتر بود.

داتته توی گنج‌هاش دو تا بروس داشت. آن بروسی که پشتش مخمل بلوطی بود برای مایکل داویت<sup>۵</sup> بود و آن بروسی که پشتش مخمل سبز بود برای پارنل<sup>۶</sup>. هر بار برای داتته دستمال کاغذی می‌برد یک قرص کات هندی به او می‌داد.

خانوادهٔ ونس (Vance) در خانهٔ شماره هفت زندگی می‌کردند. یک پدر و مادر دیگر داشتند. آنها پدر و مادر آیلین (Eileen) بودند. وقتی بزرگ شدند با آیلین عروسی می‌کرد. زیر میز قایم شد. مادرش گفت:

— وای، استیون باید عذرخواهی کنه.

داتته گفت:

— وای، والا عقاب می‌آید و چشمه‌اشو از جا می‌کنه.

چشمه‌اشو از جا می‌کنه،

باید عذرخواهی کنه،

باید عذرخواهی کنه،